

تأثیر جمعیت بر امنیت ملی و قدرت دفاعی کشور

حدیثه اوجاقلو^۱

چکیده

جمعیت یکی از مولفه‌های اساسی در شکل‌گیری و کیفیت ساختار دفاعی - امنیتی هر کشوری است، بنابراین افزایش یا کاهش آن می‌تواند تأثیر بسزایی در حوزه دفاع و امنیت کشور داشته باشد. این پژوهش در مورد جایگاه افزایش جمعیت در تأمین امنیت ملی و قدرت دفاعی کشور است. به مجموعه افرادی از یک گونه که در یک مکان و زمان زندگی می‌کنند جمعیت گفته می‌شود. امنیت نیز در لغت به معنای در امان بودن، آسایش و بی‌هراسی است، و امنیت ملی به الزاماتی اشاره می‌کند که بقای دولت ملی را از طریق به کارگیری قدرت اقتصادی، ارتش و توان سیاسی و استفاده از ابزار دیپلماسی حفظ نماید. قدرت نیز به معنای توانایی دفاع از کشور در برابر بیگانگان است. مقاله فوق در نظر دارد با استفاده از روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای صرفاً به بررسی جایگاه افزایش جمعیت در تأمین امنیت ملی و قدرت دفاعی کشور بپردازد، از این رو ابتدا به تبیین بحث مفهوم شناسی جمعیت و امنیت ملی و دفاع پرداخته می‌شود و سپس اهمیت جمعیت و نقش آن در تولید و تحکیم قدرت دفاعی کشور مورد بررسی قرار می‌گیرد. در ادامه نیز فرزندآوری و ازدیاد جمعیت از منظر قواعد فقهی و نگاه اهل بیت علیه السلام و علمای دینی بررسی می‌شود و نگاهی تاریخی به تأثیر جمعیت بر قدرت کشورها انداخته می‌شود.

کلید واژه‌ها: جمعیت، امنیت ملی، قدرت دفاعی.

۱. طلبه سطح ۲ مدرسه علمیه خدیجه کبری علیهاالسلام

مقدمه

فرزندآوری به عنوان یکی از مسائل مهم در جوامع انسانی، تاثیر قابل توجهی بر امنیت ملی و قدرت دفاعی کشورها دارد. این موضوع از اهمیت بالایی برخوردار است، زیرا جمعیت جوان و سالم، یکی از عوامل اساسی در تقویت نظام دفاعی یک کشور است، همچنین در نظام سلطه غرب افزایش یا کاهش جمعیت موجب فقدان یا وجود منافع برای سلطه‌گران است، بنابراین کاهش جمعیت یک کشور موجب کم شدن قدرت نظامی و اقتصادی ایشان می‌شود و افزایش جمعیت امتیازی است برای پیشرفت‌های نظامی و اقتصادی.

طبق بررسی‌های صورت گرفته مقاله‌ای در مورد موضوع انتخابی که به صورت کامل به جایگاه فرزندآوری در تامین امنیت ملی و قدرت دفاعی کشور پرداخته باشد یافت نشد. در این حیطه مقالاتی با موضوعات مشابه یافت می‌شود، مثل:

(۱) «آینده پژوهی ساختار جمعیتی جمهوری اسلامی ایران از منظر دفاعی امنیتی تا افق ۱۴۳۰»؛ نوشته اصغر صالح اصفهانی، عبدالرحیم پدرام و رضا رئیسی وانانی که با هدف تبیین آینده ساختار جمعیتی جمهوری اسلامی ایران از منظر دفاعی امنیتی در افق ۱۴۳۰ آینده‌های محتمل را تصویرسازی نموده است و سپس با ارائه راهکارهایی برای مقابله با کاهش جمعیت پایان یافته است.

(۲) مقاله دیگری با موضوع «تحلیلی بر پیامدهای کاهش باروری و جمعیت در ایران»؛ نوشته محمد فولادی در پی واکاوی پیامدهای کاهش باروری و جمعیت در ایران است که نشان می‌دهد پس از اجرای برنامه کنترل جمعیت و تنظیم خانواده در دهه ۶۰ و رهاسازی این سیاست، ایران با چالش‌هایی مواجه شده است که این چالش‌ها نام برده شده و تحلیل شده‌اند.

(۳) در کتابی با عنوان «جمعیت و قدرت ملی نوشته»؛ نوشته فتح الله کلانتری و کاظم سام دلیری متغیرهای جمعیتی مؤثر در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و همچنین نقش جمعیت در تولید قدرت ملی بررسی شده و سپس با توجه به تجربیات سایر کشورها راهکارهایی برای افزایش جمعیت ارائه شده است.

۴) در مقاله‌ای دیگر با عنوان «جمعیت به مثابه مولفه قدرت»؛ نوشته حسین مروتی با مروری تاریخی بر اهمیت جمعیت به عنوان یک مولفه مهم قدرت وضعیت کنونی این مولفه را در کشور بررسی کرده و مختصراً به راهکارهای فرهنگی غلبه بر بحران جمعیت پرداخته است.

آنچه این نوشتار به آن می‌پردازد، یافتن رابطه‌ای بین فرزندآوری و ازدیاد جمعیت با امنیت ملی و قدرت دفاعی کشور است. برای دستیابی به این هدف ابتدا این سؤال مطرح است که آیا افزایش جمعیت تأثیری بر امنیت ملی و قدرت دفاعی کشور دارد؟ برای رسیدن به پاسخ این پرسش باید ابتدا به بحث مفهوم شناسی امنیت ملی و دفاع و جمعیت بپردازیم و ببینیم جمعیت چیست، چه اهمیتی دارد، و چه جمعیتی برای رسیدن به امنیت ملی و قدرت دفاعی مدنظر است؟ آیا بحث از جمعیت موضوعی معاصر است یا قدمت تاریخی دارد؟ نگاه دین، اهل بیت علیهم‌السلام و علمای دینی شیعه و سنی نسبت به کنترل جمعیت چیست؟ آیا در گذشته‌ی بشر مواردی یافت می‌شود که جمعیت بیشتر عامل پیروزی و ارتقای یک کشور و ملت باشد؟

۱. مفهوم شناسی

۱-۱. جمعیت

واژه جمعیت در لغت به معنای تمام افرادی است که در یک ناحیه جغرافیایی اعم از شهر یا روستا زندگی می‌کنند. در جمعیت شناسی، تمام یا بخشی از ساکنان یک ناحیه را جمعیت می‌گویند. در اصطلاح به تمام کسانی که به طور مستمر در یک واحد جغرافیایی (کشور، استان، شهرستان، شهر یا روستا) به صورت خانوار و خانواده زندگی می‌کنند، جمعیت گفته می‌شود.^۱

تحولات جمعیتی از جمله از حیث کاهش یا افزایش نرخ جمعیت، یکی از مهم‌ترین پدیده‌های تحولی دوران معاصر است و به صورت غیر مستقیم بر تمامی نظام‌ها و سیاست‌های اجتماعی، اقتصادی و محیطی تأثیر می‌گذارد.

از نظر بلاکر جمعیت بشر پنج مرحله‌ی «سکون و ثبات»، «آغاز بسط»، «پایان بسط»، «سکون و ثبات دوباره» و «سقوط جمعیت» را گذرانده است.

۱. کلاتری، سام دلیری، جمعیت و قدرت ملی، ص ۱۵۳.

- (۱) مرحله سکون و ثبات جمعیت که طی آن ولادت و مرگومیر در سطح بالاست.
- (۲) مرحله آغاز بسط جمعیت که سطح مرگومیر و ولادت بالاست، اما مرگومیر رو به کاهش می‌رود.
- (۳) مرحله پایان بسط و توسعه جمعیت که ولادت رو به کاهش می‌رود، ولی کاهش مرگومیر بیشتر از آن است.
- (۴) مرحله سکون و ثبات دوباره که مرگومیر و ولادت هر دو در سطح پایین قرار می‌گیرند و تعادل جمعیتی جدید به وجود می‌آید.
- (۵) مرحله سقوط جمعیت که مرگومیر و ولادت هر دو در سطح پایین اند، ولی مرگومیر بیشتر از ولادت است نظیر بسیاری از کشورهای اروپایی.^۱
- رشد جمعیت، سکون و یا کاهش جمعیت در پی عواملی قرار دارد که از جمله آنها مرگومیر، مهاجرت، ازدواج و طلاق، باروری و موالید را می‌توان نام برد.
- درباره سیاست گذاری در نرخ رشد جمعیت، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد که می‌توان این دیدگاه‌ها را به چند دسته تقسیم کرد:
- دسته اول: عده‌ای افزایش جمعیت را منشا قدرت و محرک اصلی پیشرفت تلقی می‌کنند، آنها امکانات کره زمین را برای تأمین زندگی افراد وسیع می‌دانند و با توجه و تاکید بر آموزه‌های بیشتر ادیان الهی از تحدید جمعیت نهی می‌کنند.
- دسته دوم: گروه دوم افزایش جمعیت را عامل توقف پیشرفت‌های مادی و اجتماعی می‌دانند و برای اثبات این ادعا به دوران طلایی کشورهای کوچک اروپایی در قرون وسطی مثل آتن و ایالت‌های مستقل ایتالیا اشاره می‌کنند.
- دسته سوم: این گروه طرفدار ثبات جمعیت هستند و به هیچ تحول و تحرکی در جمعیت اعتقاد ندارند. آنها ثبات جمعیت را از جهات گوناگون به ویژه از نظر اقتصادی، دارای مزایای بیشماری می‌دانند برای مثال: افزایش رفاه و ثروت.

۱. صالح اصفهانی، پدرام، و رئیسی وائانی، آینده پژوهی ساختار جمعیتی جمهوری اسلامی ایران از منظر دفاعی امنیتی تا افق ۱۴۳۰، ص ۸.

دسته چهارم: این گروه نیست به جمعیت متناسب اعتقاد دارند و معتقدند که جمعیت باید با امکانات طبیعی و اقتصادی در جامعه هماهنگ باشد. پس، جمعیت یک دولت نه چنان اندک باشد که به استقلال اقتصادی و قدرت دفاعی آن صدمه بزند و نه چندان زیاد که حکومت را با دشواری روبرو کند. البته حد متناسب جمعیت با توجه به زمان، مکان، موقعیت جغرافیایی، تاریخی، اجتماعی و اقتصادی تغییر می‌کند.^۱

۱-۲. امنیت ملی

مفهوم امنیت ملی دارای ابعاد گوناگونی می‌باشد و به همین دلیل تعاریف مختلفی از آن ارائه شده است، اما به طور کلی امنیت ملی به فرایندهای زیر اطلاق می‌گردد:

(۱) حفظ تمامیت ارضی، حفظ جان و دین مردم، بقا و ادامه سیستم اجتماعی و حاکمیت کشور (سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی)؛

(۲) حفظ و ارتقاء منافع حیاتی کشور؛

(۳) فقدان تهدید جدی از خارج نسبت به منافع ملی و حیاتی کشور، چرا که امروزه سازگار کردن محیط با اهداف داخلی بسیار مهم است.^۲

امنیت ملی از دو وجه به هم پیوسته امنیت داخلی و امنیت خارجی تشکیل شده است. جنبه داخلی امنیت ملی، امنیت یک ملت در برابر تهدیدهای پیدا و پنهان در درون مرزهای ملی را شامل می‌شود. این تهدیدها می‌توانند سیاسی (شورش، جدایی طلبی و...)، اقتصادی (نابسامانی، بحران‌های اقتصادی و...)، نظامی (کودتا، جنگ داخلی و...) و اجتماعی (آشوب و شورش اجتماعی و...) بوده و هر کدام به نوعی دولت ملی را تحت تاثیر قرار داده و موجودیت آن را مورد تهدید قرار دهند.^۳

با توجه به تعریف‌های فوق امنیت ملی از دو وجه امنیت داخلی و امنیت خارجی تشکیل شده است که جنبه داخلی امنیت ملی به معنای امنیت یک ملت در برابر انواع تهدیدهای پنهان و پیدا مثل تهدیدهای سیاسی، اقتصادی، نظامی و اجتماعی در درون مرزهای ملی است.

۱. مینایی، حسین، زهدی، یعقوب، «بررسی میزان تأثیر انسجام اجتماعی و تغییرات جمعیتی بر امنیت ملی،

۲. بیات، نظریه‌های امنیت ملی، ص ۳۱.

۳. همان، ص ۴۲.

جمعیت را توطئه صهیونیسم غرب علیه مسلمانان می‌دانند. آنچه موجب بدبینی علمایی همچون آیت‌الله طهرانی شده، کمک‌های صندوق‌های بین‌المللی پول، بانک جهانی و سازمان‌هایی نظیر سازمان ملل متحد به کشورهای جهان سوم برای کنترل جمعیت می‌باشد.^۱

۲-۴-۳. نگاه علمای اهل سنت به کنترل جمعیت

طبق قطعنامه ۱۷ تن از فقهای اهل سنت که پس از شرکت در مجلس مجمع فقهی اسلامی در سال ۱۴۰۰ هـ.ق در مکه مکرمه صادر گردید، نظر برخی از علمای معاصر اهل سنت بدین شرح است:

«نظر به اینکه شریعت اسلام ترغیب کننده به فزونی نسل مسلمانان و انتشار آن است، و تحدید نسل و جلوگیری از آبستنی مخالف فطرت انسانی و شریعت اسلامی می‌باشد، و نظر به اینکه هدف جلوگیری از افزایش جمعیت مسلمانان نیرنگی برای کاهش دادن نیروی انسانی آنها و تقویت سلطه استعمارگران بر کشورهای اسلامی و بهره برداری بیشتر از ثروت‌های آنان است و نیز نظر به اینکه جلوگیری از نسل نوعی عمل جاهلی و بدگمانی نسبت به خدای متعال است، مجلس مجمع فقهی اسلامی به اتفاق آراء مقرر می‌دارد که: تحدید نسل مطلقاً جایز نیست و جلوگیری از آبستنی در صورتی که انگیزه آن ترس از کمبود باشد حرام است؛ چرا که خداوند متعال «هو الرزاق»^۲، «ذوالقوة المتین»^۳ و روزی همه جنبندگان روی زمین را به عهده گرفته است: «و ما من دابة فی الارض الا علی الله رز و ما من دابة فی الارض الا علی الله رزقها...»^۴ اما دعوت و الزام مردم به تحدید نسل و جلوگیری از آبستنی به طور کلی شرعاً حرام است.^۵

۴. نگاهی بر تاثیر جمعیت در تاریخ

اکنون برای بررسی بیشتر تاثیر جمعیت بر قدرت ملی کشورها به گذشته بشر نگاهی می‌اندازیم تا ببینیم تاریخ درباره تاثیر جمعیت و ساختار سنی و رشد آن بر قدرت یک ملت چه

۱. علیی، تأثیر آموزه‌ها و فتاوی شیعی در رشد و کنترل جمعیت، صص ۱۶۷ و ۱۶۸.

۲. ذاریات (۵۱): ۵۸.

۳. ذاریات (۵۱): ۵۸.

۴. هود (۱۱): ۶.

۵. علیی، تأثیر آموزه‌ها و فتاوی شیعی در رشد و کنترل جمعیت، ص ۱۶۸.

حرفی برای گفتن دارد؟ بررسی مسئله جمعیت به لحاظ تاریخی نشان می‌دهد که جمعیت همواره به عنوان عاملی موثر در شکل‌دهی قدرت نظامی و اقتصادی کشورها مطرح بوده است، به طوری که رشد جمعیت در یک قبیله، شهر، ایالت و کشور به معنای قدرت بیشتر حاکمان در آن منطقه است. ویل دورانت در کتاب «درس‌های تاریخ» آورده است: «قلت اعضای خانواده در تاریخ یونان و روم نقش داشته است. این نکته جالب توجه است که ژولیوس قيصر (۵۹ سال پیش از میلاد) به رومیانی که فرزندان بسیاری داشتند جایزه می‌داد و زنان بی‌فرزند را از سوار شدن بر تخت روان و استفاده از زیورهای گران‌بها منع کرده بود» در فرانسه هنری شانزدهم بر این عقیده بود که، «قدرت و ثروت پادشاهان به فراوانی و توانمندی جمعیت و افراد آن بستگی دارد.» فردریک فرمانروای کبیر پروس نیز معتقد بود که، «تعداد افراد جمعیت، ثروت دولت‌ها محسوب می‌شوند.» ابن خلدون، متفکر برجسته مسلمان نیز در مورد جمعیت گفته بود: «جمعیتی که به حد کافی انبوه و انباشته باشد، امکان می‌یابد تا از نیروی کار خود استفاده بهتری برد. جمعیت، مهم‌ترین وسیله برقراری امنیت سیاسی و نظامی جامعه است.» در سال ۱۹۳۰ سیاستمداران فرانسوی به این نتیجه رسیدند که به دلیل کاهش جمعیتشان، نیازمند احیای تسلیحات مدرن نظامی و در نتیجه کنارگذاشتن استفاده از تسلیحات خط ماگینوت هستند. پائول رینولد، وزیر دولت وقت فرانسه با تاکید بر این نکته که، «تنها یک عامل وجود دارد که بر همه موارد مسلط است و آن عامل جمعیت است.» به بحث درباره به کارگیری تسلیحات مدرن پرداخت. طی دهه ۱۹۳۰، آلمان به رهبری نازی‌ها و اتحاد جماهیر شوروی به رهبری استالین، به دلایل کاملاً نظامی و راهبردی، سیاست‌هایی قوی در جهت افزایش نرخ باروری اتخاذ کردند. خروشچف، رهبر اتحاد جماهیر شوروی نیز پس از استالین می‌گفت: «فکر محدودکردن توالد و تناسل یک «تئوری آدمخواری» است که ایدئولوژی بورژوازی (سیاستمداری) آن را اختراع کرده است.» ژنرال دوگل نیز در زمان ریاست جمهوری‌اش برای جلوگیری از مصرف قرص‌های ضد بارداری، مبارزه گسترده‌ای را سامان داد، بدان امید که مادران فرانسوی، فرزندان بیشتری به دنیا بیاورند. این‌ها تنها گوشه‌هایی از شواهد تاریخی در باب اهمیت جمعیت برای سیاستمداران است.^۱ در طول تاریخ و در موارد مختلف و گوناگونی، کشورها و اتحادیهایی که توانسته‌اند بر همسایگان خود غلبه کنند، آنهایی بوده‌اند که جمعیتشان سریع‌تر از کشورهای همسایه رشد داشته است. در جهان باستان، این واقعیت در مورد پارس‌ها،

۱. مروتی، مهم‌ترین راه حل غلبه بر فقدان جمعیت چیست؟ جمعیت به مثابه مؤلفه قدرت،

یونانی‌ها، رمی‌ها و مقدونی‌ها صدق می‌کرد. همین نکته را می‌توان در مورد نارس‌ها (ساکنان اولیه شبه جزیره اسکاندیناوی اجداد نوردیک‌ها، ساکنان امروزی این منطقه) و مغول‌ها نیز شاهد بود. در تاریخ معاصر غرب، می‌توان این موضوع را در مورد پرتغال قرن پانزدهم، هلند قرن شانزدهم، روسیه قرن هفدهم، بریتانیای قرن هجدهم، آلمان قرن نوزدهم و ایالات متحده در قرن بیستم مشاهده کرد. از سوی دیگر، به سختی می‌توان به مورد قابل توجهی برخورد که در جریان آن، موقعیت منطقه‌ای یا جهانی کشوری که جمعیت آن رو به کاهش گذاشته است ارتقا یابد. امروزه نیز به دلیل اهمیت کیفیت جمعیت، قابلیت‌ها و توانمندی‌های آن، کشورهای مختلف برای ارتقای قدرت ملی خود، توجه ویژه‌ای به جمعیت و توانمندسازی آن دارند.^۱

نتیجه گیری

امروزه تحولات جمعیتی یکی از مهم‌ترین و تاثیرگذارترین پدیده‌ها در همه ابعاد اقتصادی، سیاسی، نظامی، اجتماعی و... است که تاثیر آن بر برخی از این ابعاد به صورت مستقیم و بر برخی دیگر به صورت غیر مستقیم است. در این میان امنیت ملی و قدرت دفاعی یک کشور به طور مستقیم از جمعیت تاثیر می‌پذیرد و همان‌طور که منابع فناورانه، منابع زیرزمینی، منابع نظامی وسعت یک سرزمین از مولفه‌های قدرت آن سرزمین محسوب می‌شوند، منابع انسانی و جمعیت آن نیز از مهم‌ترین عوامل رشد، اقتدار، توسعه و قدرت یک سرزمین به شمار می‌روند. البته این جمعیت در صورتی می‌تواند عامل رشد و توسعه و اقتدار باشد که دارای ساخت سنی جوان، پویا و مناسب باشد و این افراد دارای مهارت و تخصص مورد نیاز باشند. در طول تاریخ، کشورها و اتحادیهایی که جمعیتشان سریع‌تر از سایر کشورها رشد داشته، توانستند بر همسایگان خود غلبه کنند و رقیب خود را به پذیرش شرایط مورد نظر خود وادارند، و به سختی می‌توان موردی را یافت که در آن، کشوری که جمعیت کمتری دارد بتواند از نظر موقعیت منطقه‌ای یا جهانی ارتقا پیدا کند. پس مسئله جمعیت و کیفیت آن اصلی‌ترین نقش را در تولید قدرت و امنیت ملی ایفا می‌کند و مابقی عوامل از جمله منابع مادی، شامل منابع زیرزمینی و روزمینی و همچنین توان تکنولوژیک، قدرت نظامی و حتی خود سرزمین در کنار عامل جمعیت معنا پیدا می‌کنند.

۱. جکسون، هاو، جمعیت، قدرت، معیشت: بررسی تأثیر کهن‌سالی بر اقتصاد و قدرت سیاسی جهان، ص ۴۳.

در نگاه دینی به مسئله جمعیت نیز می‌توان نتیجه گرفت که دین مبین اسلام، طرفدار رشد و افزایش جمعیت است و در آیات بسیاری از قرآن کریم درباره جمعیت و موضوعات مرتبط با آن صحبت می‌کند، همچنین تمام انبیا علیهم‌السلام و بزرگان دین توجه ویژه‌ای به موضوع جمعیت داشته‌اند مردم زمان خود را به ازدیاد نسل تشویق می‌کرده‌اند. امروزه علما و فقهای شیعه و اهل سنت نیز با استفاده از قواعد فقهی مانند قاعده نفی سبیل و قاعده استطاعت بر ضروری بودن افزایش جمعیت و ازدیاد نسل تاکید می‌کنند و کنترل جمعیت و جلوگیری از بارداری را مغایر با تعالیم اسلام و آیات قرآن کریم می‌خوانند.

منابع

- * قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، ناصر.
۱. بیات، بهرام، **نظریه‌های امنیت ملی**، تهران: دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی، چاپ اول، ۱۳۹۸.
 ۲. جکسون، ریچارد، هاو، نیل، **جمعیت، قدرت، معیشت: بررسی تأثیر کهن‌سالی بر اقتصاد و قدرت سیاسی جهان**، ترجمه حمیدرضا خطیبی، تهران: دنیای اقتصاد (وابسته به شرکت دنیای اقتصاد تابان)، ۱۳۹۹.
 ۳. قریب، محمد، **فرهنگ لغات قرآن**، تهران: بنیاد، ۱۳۶۹.
 ۴. کلانتری، فتح‌الله، سام دلیری، کاظم، **جمعیت و قدرت ملی**، تهران: دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی، چاپ اول، ۱۳۹۸.
 ۵. منصوری لاریجانی، اسماعیل، **مبانی معرفت‌شناسی امنیت و دفاع**، تهران: دانشگاه و پژوهش‌های ملی عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی، ۱۳۹۷.
 ۶. موسوی، سیدروح‌الله (امام‌خمینی رحمه‌الله‌علیه)، **صحیفه نور**، جلد ۴، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۵.
 ۷. حرعاملی، محمدبن حسین، **تفصیل وسائل الشیعه‌إلی تحصیل مسائل الشریعه**، قم: مؤسسه آل‌البیت لإحياء التراث قم، ۱۴۰۹ هـ.ق.
 ۸. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، **الکافی**، قم: دارالحديث، چاپ اول، ۱۴۲۹ هـ.ق.

– مقالات

۹. صالح اصفهانی، اصغر، پدرام، عبدالرحیم، رئیسی وانانی، رضا، «آینده پژوهی ساختار جمعیتی جمهوری اسلامی ایران از منظر دفاعی امنیتی تا افق ۱۴۳۰»، پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی، ۱۳۹۷، دوره ۱۱ (پیاپی ۴۴)، صص ۱-۳۲.
۱۰. علیی، محمدولی، «تأثیر آموزه‌ها و فتاوی شیعی در رشد و کنترل جمعیت»، فصلنامه علمی - پژوهشی شیعه شناسی، ۱۳۸۴، ش ۱۲.
۱۱. علیی، محمدعلی، «نقش جمعیت و سیاست‌های جمعیتی در استحکام ساخت درونی قدرت نظام جمهوری اسلامی ایران»، نشریه آفاق امنیت، ۱۳۹۴، ش ۲۸، صص ۱۰۷-۱۳۳.
۱۲. مروتی، حسین، «مهم‌ترین راه حل غلبه بر فقدان جمعیت چیست؟ جمعیت به مثابه مؤلفه قدرت»، پاسدار اسلام، ۱۳۹۹، ش ۴۵۹ و ۴۶۰، صص ۵۲-۵۵.
۱۳. مینایی، حسین، زهدی، یعقوب، «بررسی میزان تأثیر انسجام اجتماعی و تغییرات جمعیتی بر امنیت ملی»، فصلنامه راهبرد دفاعی، ۱۳۹۱، ش ۳۹.

– سایت‌ها

۱۴. امام خامنه‌ای مدظله‌العالی: <https://khamenei.ir>.
۱۵. فاضل لنکرانی، محمدجواد، ۱۳۹۰، مباحث خارج فقه: <https://fazellankarani.com>.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۹۲: <http://www.makarem.ir>.